



**عنوان دوره آموزشی :**

**توسعه اجتماعی و ثبات زیست محیطی**

**بهار ۱۳۹۸**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گروه هدف:

مددکار بهداشتی و درمانی

اهداف آموزشی:

ارتقا سطح دانش ونگرش ومهارت فراگیران درزمینه :

توسعه اجتماعی و ثبات زیست محیطی

توسعه پایدار

انسان و محیط زیست

نقش سرمایه اجتماعی در بهبود کیفیت محیط زیست

نقش استراتژیک توسعه پایدار و رفتار فردی در ساختار زیست محیطی

روش و نحوه اجرای آموزش:

مدت دوره: ۱۰ ساعت

اجرای آموزش: کتابخوانی

نوع آزمون: کتابخوانی

روش آزمون: الکترونیکی

## فهرست :

- ۱-مقدمه..... ۴
- ۲-مفهوم توسعه..... ۵
- ۳- اهمیت و تعریف توسعه اجتماعی (Social development)..... ۷
- ۴-وضعیت توسعه اجتماعی در ایران..... ۱۳
- ۵- رابطه توسعه و زیست محیط..... ۲۰
- ۶- ارتباط توسعه با محیط زیست در ایران..... ۲۷
- نتیجه گیری و پیش نهاد ها..... ۲۹

یکی از اهداف نهایی انسان ها دستیابی به پیشرفت و توسعه در کنار حفظ محیط زیست و سرمایه‌های مادی و معنوی با ارزش زمین بوده است. اما آنچه به نظر می‌رسد این است که انسان در دستیابی به این مهم آن‌چنان موفق نبوده و محیط زیست در زمین در خطر نابودی بارز قرار دارد. به همین دلیل بایستی در شرایط فعلی تعلل و تأمل کرده و با کمک علوم مهندسی در زمینه محیط زیست و بهداشت اقدامات لازم را صورت داده و به معنای واقعی کلمه به دنبال توسعه اجتماعی باشیم.

نیکولاس لومن معتقد است که همه‌ی سیستم‌های اجتماعی در محیط‌هایی چند بعدی حضور دارند که به صورت بالقوه پیچیدگی‌های بی‌پایانی را ایجاد کنند، این سیستم‌ها برای بقا می‌بایست مکانیزم‌هایی را برای کاهش پیچیدگی محیط و ایجاد مرزی میان خود و آن برای بقا ایجاد کنند.

بسیاری از کشورهای در حال توسعه دارای تمرکز بیش از اندازه در چند نقطه معدود شهری هستند. چنین وضعیتی به مشکلات زیادی منجر می‌شود. در این کشورها کیفیت زندگی مردم دستخوش نابرابری‌های منطقه‌ای عظیمی است که در بسیاری موارد، به سرعت در حال افزایش است. نتیجه این روند عدم تعادل و ناسازگاری میان انسان و طبیعت و به هم خوردن روابط اکوسیستم خواهد بود.

رقابت کشورها برای توسعه موجب شده است که پیامدهای منفی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است اینکه نباید غافل شویم که توسعه در هر یک از ابعاد آن اگر منجر به تخریب محیط زیست شود (که گاهی اوقات از آنها به عنوان خشونت‌های زیست محیطی یاد می‌شود) ناکارآمد خواهد بود. بدون شک حفظ محیط زیست بدون در نظر گرفتن وجه اجتماعی آن و انسان‌هایی که در جامعه زندگی می‌کنند و محیط زندگی افراد امکان پذیر نیست. تخریب محیط زیست بر سلامت همه جانبه (جسمی، روانی و اجتماعی) مردم اثر منفی خواهد گذاشت که از عوارض آن می‌توان به بروز مشکلات متعدد روانی و اجتماعی اشاره کرد که از موضوعات مرتبط با مددکاری اجتماعی است.

به عنوان مثال تلاش مددکاران اجتماعی در مناطق روستایی و سکونت‌گاه‌های غیر رسمی در این راستا از گذشته از نمونه‌های اقدامات مددکاران اجتماعی در ایران محسوب می‌شود و اعتقاد بر این است که حفظ محیط زیست بدون تقویت مسئولیت اجتماعی، افزایش سرمایه اجتماعی و مشارکت مردم کاری بسیار دشوار خواهد بود.

توسعه در معنای لغوی به معنی رشد و پیشرفت در هر زمینه‌ای می باشد. طبق تعریف کوستو (۱۳۷۰) توسعه به تمامی فعالیت ها و کارهای انسان گفته می شود که برای بهتر کردن زندگی خود در محیط زیست انجام می شود. با مبنا قرار دادن مطالب بالا میتوان به این تعریف جامع از توسعه دست یافت که: توسعه عبارت است از افزایش توانایی جوامع بشری برای مواجهه با پیچیدگیهای بی پایان محیطی.

علمای علوم اجتماعی توسعه، تعاریف گوناگونی ارائه داده‌اند. مایکل تودارو بر این باور است که توسعه را باید جریانی چند بُعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. برخی از جامعه‌شناسان بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی تأکید دارند و توسعه را چنین تعریف کرده‌اند: توسعه ایجاد زندگی پرثمری است که فرهنگ آن را تعریف می‌کند. به این ترتیب، باید فرض کرد که توسعه دستیابی فزاینده انسان به ارزش‌های فرهنگی خاص توسعه است. توسعه مفهومی پیچیده و دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که در بعضی از رهیافت‌ها آنرا وابسته به ارزش‌ها می‌دانند.

بر این اساس، جوامع از نظر میزان توسعه یافتگی، حاوی درجات متفاوتی هستند؛ برخی جوامع و کشورها بنا به دلایلی از آفرینش مکانیزم‌هایی برای مواجهه با این پیچیدگی‌های محیطی ناتوان هستند و در معرض نابودی و فروپاشی قرار دارند و برخی جوامع دیگر، در مواجهه با این پیچیدگی‌ها از سایرین موفق‌تر هستند و از درجات بالاتری از توسعه یافتگی برخوردارند.

برای مدتهایی مدید، نگرشی تک بعدی بر مطالعات توسعه حاکم بود و توسعه با توسعه‌ی اقتصادی مترادف در نظر گرفته می‌شد، اما با افزایش دانش بشری، رفته رفته، این نگرش تک‌بعدی به حاشیه رانده شد چنانکه توسعه را پدیده‌های دارای پیچیدگی علی دانسته‌اند که برای حصول به آن می‌بایست مجموعه‌ای از علل در کنار یکدیگر قرار گیرند. از این دیدگاه تأکید بر متغیرهای صرفاً اقتصادی و یا سیاسی و توجه صرف به یکی از ابعاد توسعه لزوماً به توسعه و افزایش توانایی سیستم اجتماعی در مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی منجر نخواهد شد و حتی در مواردی اتخاذ این نگرش تک بعدی میتواند سیستم را در مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی آسیب‌پذیرتر کند.

افزایش دانش بشری در زمینه‌ی ابعاد مختلف توسعه و لزوم نگرستن به آن به مثابه‌ی مجموعه‌ای علی، اندیشمندان را بر آن داشت که از توسعه‌ی اقتصادی فراتر روند و به مفاهیمی چون توسعه‌ی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و .... بیندیشند و هر یک در رشته‌های تخصصی خود و از زاویه‌ی دید خود علل دخیل در توسعه‌ی جوامع را شناسایی کنند. اکنون در مقایسه با دهه‌های

پیش دانش بشری پیرامون شرایط و علل بقا و زوال جوامع و سیستم‌های اجتماعی رشد قابل ملاحظه‌ای کرده و به‌نظر میرسد زمان آن فرا رسیده است که با اتخاذ رویکردی کلگرا، مجموعه‌ای، سیستمی و میان رشته‌ای ضمن شناسایی علل مختلف توسعه، اهمیت علی هر یک از این علل و میزان اثرگذاری آن بر رشد و توسعه‌ی جوامع را شناسایی نماییم.



### ۳- اهمیت و تعریف توسعه اجتماعی (Social development)

با وجود آن که در سند کپنهاگ، به میزان زیادی حدود و ثغور مفهوم توسعه اجتماعی مشخص شده است در میان اندیشمندان و محققان مختلف، اجماعی بر سر تعریفی مشخص از این مفهوم وجود ندارد. علت این امر را میتوان در دو عامل عمده یافت.

نخست ماهیت مفهوم توسعه و مبهم و پیچیده بودن آن، که این خصیصه در ارتباط با توسعه اجتماعی به دلیل ارزشی و هنجاری بودن آن، به مراتب حادث شده است؛ و دیگری نوظهور بودن این مفهوم در پژوهش‌های جهانی به‌طور کلی میتوان تعاریف ارائه شده از توسعه اجتماعی را به دو دسته کلی تعاریف خاص و تعاریف عام تقسیم کرد. در تعاریف خاص از توسعه اجتماعی، تعریف بیشتر بر یک یا چند بعد مختصر تأکید کرده و اهمیت آن بعد و یا ابعاد در فرایند توسعه اجتماعی را برجسته ساخته است. اما در تعاریف عام، توسعه اجتماعی به مثابه‌ی یک کلیت در نظر گرفته شده است که دارای ابعاد مختلفی بوده و برای سنجش این مفهوم، نیازمند سنجش تمامی ابعاد زیر مجموعه آن هستیم. بر این اساس در ادامه، توضیحاتی مختصر پیرامون هر یک از این دسته‌بندیها ارائه و باارائه‌ی برخی از شاخص‌ترین تعاریف ارائه شده در ذیل هر یک از این تقسیم‌بندیها و استخراج برخی از مهمترین عناصر موجود در آنها، زمینه برای ساخت تعریفی از توسعه اجتماعی که توانایی در برگرفتن تمامی ابعاد اشاره شده در ذیل این تعاریف را داشته باشد آماده میشود. اما موسسه مطالعات توسعه اجتماعی سازمان ملل (۲۰۱۶) بر اساس آخرین تعاریف سازمان ملل، «توسعه اجتماعی» فرایندی از تغییرات است که منجر به بهبود در «به زیستن» و «روابط اجتماعی» میشود که منصفانه‌تر و سازگارتر با اصول حکومت دموکراتیک و عادلانه است. توسعه اجتماعی شامل هم دستاوردهای مادی مانند سلامت، آموزش و پرورش مناسب، دسترسی پایدار به منابع، کالاها و خدمات برای زندگی مناسب در یک محیط قابل پذیرش، و هم دستاوردهای غیرمادی با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مانند حس کرامت، امنیت و شمول اجتماعی و دستاوردهای سیاسی مربوط به فعالیت، مشارکت و بازنمایی است.

#### ۳-۱ - تعاریف خاص از توسعه اجتماعی

همانطور که پیشتر نیز بیان شد این دسته از تعاریفها با تأکید بر یک و یا دو بعد مشخص در تعریف خود از توسعه اجتماعی این ابعاد را برجسته کرده‌اند.

در میان این دسته از تعاریف، برخی تعاریف از مقبولیت و کاربرد گسترده تری برخوردارند که از آن جمله میتوان به تعریف استس (Estes) از این مفهوم اشاره کرد. استس با تأکید بر دو بعد اقتصاد و آزادی، توسعه اجتماعی را حوزه‌های میان رشته



ای و میان‌بخشی دانسته است که در جستجوی بهبود رفاه مادی و اجتماعی مردم در همه‌ی سطوح جامعه است. این تعریف به طور ضمنی بیان‌کننده‌ی دو نکته است: اول، تأمین‌رضایت مردم در سطح حداقل نیازهای اساسی از راه تأمین آن نیازها و دوم، افزایش سطح آزادی که بارشته انتخاب‌هایی که مردم می‌توانند داشته باشند، اندازه‌گیری می‌شود. به زعم استس، اهداف توسعه‌ی اجتماعی از طریق مشارکت مردم تا بالاترین حد ممکن در تعیین اهداف و نتایج توسعه تعقیب می‌شوند. ورود مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به تعاریف ارائه شده از توسعه‌ی اجتماعی علاوه بر گسترش ابعاد آن یکی از مهمترین شرایط دستیابی به توسعه‌ی اجتماعی را مورد تأکید قرار داده است.

صاحب نظر برجسته‌ی اقتصادی، جوزف استیگلیتز (۲۰۰۲) با تأکید بر این بعد، توسعه‌ی اجتماعی را توانایی هر جامعه برای حل صلح‌آمیز تضادها و پیوند منابع و علایق مشترک، به هنگام اختلاف منافع دانسته است؛ وی بر سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد در تسهیل معامله‌ی متقابل به‌عنوان عناصر مهم توسعه‌ی اجتماعی تأکید دارد.

برخی ابعاد دیگر در تعاریف خاص ارائه شده از توسعه‌ی اجتماعی بر ابعادی چون امکان کسب شغل، کارآفرینی و کاهش تبعیض‌های مختلف (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۲) ارتقای رفاه مردم در کنار فرآیندهای پویایی توسعه‌ی اقتصادی و پاسخگویی بهتر، دسترسی مساوی‌تر و مناسب‌تر (بانک جهانی، ۲۰۰۵) تأکید کرده‌اند.

با در نظر داشتن تعاریف خاص ارائه شده در زمینه‌ی توسعه‌ی اجتماعی که به بخشی از آنها اشاره شد؛ میتوان ابعاد مفهوم توسعه‌ی اجتماعی را به‌صورت زیر بر شمرد:

الف- توجه و تأکید بر شاخص‌های مختلف اجتماعی از قبیل اعتماد، ادغام و انسجام اجتماعی که

میتوان آنها را ذیل مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی قرار داد.

ب- توجه و تأکید بر عوامل و پیامدهای زیست محیطی

ج- توجه به آزادی‌های فردی و اجتماعی، رفع تبعیضات جنسی و امنیت در پدید آوردن زمینه‌ای با ثبات برای توسعه

د- توجه به شاخص‌های اقتصادی

ه- در نظر داشتن اهدافی چون، پاسخگو کردن کارگزاران، امکانات و سازمانهای صاحب‌قدرت

و- ارزیابی پیامدها و دستاوردهای توسعه بر حسب تأمین نیازهای فردی و اجتماعی انسانها

ز- مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، تأمین منابع، اجرا و ارزیابی طرح‌های توسعه‌ای (غالباً با عاملیت سازمانهای غیردولتی، سازمان‌های جامعه‌ی مدنی و سازمان‌های مبتنی بر اجتماعات محلی)

با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد سازه‌ی توسعه‌ی اجتماعی دارای ابعاد متنوعی است که هر یک از تعاریف خاص ارائه شده از این مفهوم به تنهایی، توانایی پوشش تمامی این ابعاد را ندارد و از این رو نیازمند ارائه‌ی تعریفی عام از توسعه‌ی اجتماعی هستیم.

### ۳-۲ - تعاریف عام از توسعه‌ی اجتماعی

گری جاکبز و هارلن کلوند (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «ابعاد نظریه‌ی توسعه‌ی اجتماعی»

با اتخاذ رویکردی عام این تعریف از توسعه‌ی اجتماعی را ارائه کرده‌اند: «توسعه اجتماعی فرایندی است که فعالیت‌ها و انرژی‌های بشر را در سطوح بالا برای رسیدن به نتایج بهتر سازماندهی و از توان او استفاده می‌کند».

گونبر، مک فارلند و آسوکان (۱۳۸۷) نیز با معادل قرار دادن مفهوم توسعه و توسعه‌ی اجتماعی آن را عزیمت همه جانبه (نظری - عملی) و رو به کمال جامعه از سطوح پایین به سطوح بالای توانایی، کارآمدی، کیفیت، بهره‌وری، پیچیدگی، درک، خلاقیت، مهارت، لذت و فضیلت دانسته‌اند.

جونز و پند (۱۳۸۷) در مقاله‌ی خود با عنوان «توسعه‌ی اجتماعی از طریق دگرگونی نهادی» و با در نظر داشتن تعریفی عام از توسعه‌ی اجتماعی این تعریف را ارائه داده‌اند: «توسعه‌ی اجتماعی تلفیقی از سازماندهی اجتماعی و برنامه‌ریزی و طراحی اجتماعی است. اما چیزی بیش از تجمیع ساده این دو حوزه است. توسعه‌ی اجتماعی، استراتژی سیاسی، توسعه‌ی اقتصادی، حمایت اجتماعی، تحلیل برنامه‌ریزی، دولت، و پژوهش ارزشیابی را شامل می‌شود و آنها را در کنار هم می‌خواهد».

با در نظر گرفتن حیطه‌ای حداکثری برای مفهوم جامعه به معنای در برگیرنده‌ی اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... همچنین پاسخی که از این پرسش بنیادی یعنی: اصولاً چرا جوامع باید توسعه یابند؟ به دست می‌آید و ترکیب آن با برخی پژوهش‌های نظری می‌توان تعریفی کارآمد از توسعه‌ی اجتماعی ارائه کرد و توانایی نهفته در این مفهوم را به میزان بیشتری آزاد کرد. آنچه که در شسطور بعد می‌آید تلاشی مقدماتی برای نیل به این مقصود است. ابتدایی‌ترین نیازی که بشر با آن در طول تاریخ خود مواجه بوده است نیاز به بقاء در محیطی پیچیده است. از آنجا که انسان برای بقا در محیط پیچیده‌ی پیرامون خود از نظر

زیستی تجهیز نشده است، برای بقا نیازمند سازماندهی نهادها و زندگی اجتماعی است. اما خود جامعه و نهادهای مختلف موجود در آن نیز همانند انسان با محیطی پیچیده روبه‌رو هستند که نحوه‌ی مواجهه با این محیط و پاسخ‌هایی که یک جامعه در کلیت آن به این پیچیدگی‌ها می‌دهد، طول بقای آن جامعه را در میان جوامع انسانی مختلف رقم می‌زند. با در نظر داشتن این مباحث میتوان یک تعریف از توسعه‌ی اجتماعی را به ترتیب زیر ارائه کرد:

توسعه‌ی اجتماعی عبارت است از افزایش توانایی جوامع انسانی برای مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی‌ای که به مسأله‌ی بقای جوامع ارتباط می‌یابند. با توجه به عدم توانایی علم برای شناسایی تمامی ابعاد زندگی اجتماعی که با بقاء و زوال یک جامعه ارتباط می‌یابد، مفهوم توسعه‌ی اجتماعی مفهومی سیال است و با گسترش دانش بشری پیرامون مخاطراتی که بقای جوامع انسانی را تهدید می‌کنند این مفهوم ابعاد گسترده‌تری می‌یابد. از این منظر جوامعی از نظر میزان توسعه‌ی اجتماعی در سطوح بالاتری قرار دارند که در مقایسه با سایر جوامع از نظر مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی عملکردها و واکنش‌های بهتری دارند و در نتیجه احتمال بقای خود را در مقایسه با سایر جوامع افزایش داده‌اند. به نظر می‌رسد این تعریف از جهاتی از مزیت‌هایی در مقایسه با سایر تعاریف ارائه شده برخوردار است. نخست اینکه با مبتنی کردن مفهوم توسعه‌ی اجتماعی بر یک نیاز بنیادین و مشترک در میان انسانها و جوامع انسانی، تا حدود بسیاری از نگرشهای ارزشی که در بعضی موارد بر سایر تعاریف ارائه شده به شدت حاکم است و از این رو تعمیم آنها به جوامع مختلف را با مشکل مواجه می‌کند دوری مینماید. در ثانی با در نظر داشتن پیچیدگی‌های محیطی کلیه‌ی ابعادی که در تمامی تعاریف خاص ارائه شده از توسعه‌ی اجتماعی ذکر شده است در بر میگیرد.

### ۳-۳- شاخص‌های مختلف توسعه‌ی اجتماعی

به لحاظ تاریخی، اولین سند مهم سازمان ملل متحد در باب توسعه‌ی اجتماعی مربوط به گزارش سال ۱۹۵۴ است. گروهی از کارشناسان در باره‌ی تعریف بین‌المللی و سنجش معیارها و سطوح توسعه‌ی اجتماعی، که در آن زمان سطوح زندگی نام‌گذاری شده بود، گزارش مفصلی را تهیه کرده بودند. شاخص‌های این گزارش عبارت بودند از: ۱- بهداشت، شامل شرایط جمعیت شناختی؛

۲- غذا و تغذیه ۳- آموزش و پرورش، شامل مواد و مهارت آموزشی ۴- شرایط کار ۵- وضعیت اشتغال؛ ۶- مصرف کل پس اندازها؛ ۷- حمل و نقل ۸- مسکن، شامل تسهیلات خانگی؛ ۹- پوشاک ۱۰- تفریح و استراحت ۱۱- امنیت اجتماعی و ۱۲- آزادی‌های بشری.

پیرو سند و گزارش فوق، سازمان ملل با شناخت از این موضوع که شاخص‌هایی که قرار است پیشرفت هر یک از این اجزا را مورد سنجش قرار دهد، در اصل متعدّدند و در بیشتر کشورها داده‌های اطلاعاتی لازم برای بسیاری از آنها وجود ندارد، صورتی از شاخص‌های دارای اولویت را پیشنهاد کرد که عبارت بودند از ۱- امید به زندگی در هنگام تولد ۲- میزان مرگ و میر نوزادان؛ ۳- میانگین ملی تأمین مواد غذایی بر حسب کالری‌های مورد نیاز سطح جزیی در مقایسه با مقدار برآورد شده‌ی کالری‌های مورد نیاز ۳- نسبت کودکان ۵ تا ۱۴ که در مدارس نام نویسی کرده‌اند ۵- نسبت درصد جمعیت با سواد بالاتر از یک سن خاص، کل این جمعیت و توزیع آن از لحاظ جنسیتی ۶- نسبت جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی یا به

عبارت دیگر درصد بی‌کاری؛

۷- نسبت درصد توزیع جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی بر اساس طبقه‌بندی‌های اصلی صنعتی و

شغلی ۸- مصرف فردی به صورت نسبی از درآمد ملی و شاخص تغییرات ناشی از آن .

از آن زمان تا اوایل دهه‌ی نود میلادی، برای توصیف دقیق‌تر وضعیت توسعه‌ی اجتماعی، شاخص‌های دیگری نیز به مرور طراحی شدند که این شاخص‌ها بیشتر در ارتباط با حوزه‌های بهزیستی و مراقبت اجتماعی قرار می‌گرفتند.

انتشار سلسله گزارش‌های سالانه‌ی توسعه‌ی انسانی از سوی برنامه‌ی عمران سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۰ مشخصاً موجب ارتقای رویکردهای عمومی به سنجش توسعه‌ی اجتماعی شد. بر پایه‌ی روش‌های اعلام شده در این گزارش‌ها، اجزای شاخص توسعه‌ی انسانی در بر گیرنده‌ی: امید به زندگی به هنگام تولد، میزان باسوادی بزرگسالان، نسبت ترکیبی ثبت‌نام در دوره‌های ابتدایی، متوسطه و دبیرستان و تولید ناخالص داخلی سرانه به دلار بر پایه‌ی شاخص برابری توان خرید هستند. پس از برآورد شاخص‌های یاد شده، سه نماگر ترکیبی: طول عمر (امید به زندگی در بدو تولد)، سطح آموزش (میزان باسوادی بزرگسالان با ضریب دو سوم، و نیز میزان ثبت‌نام در کلیه‌ی مقاطع تحصیلی با ضریب یک سوم) و سطح معاش آبرومند(سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی بر حسب دلار) محاسبه می‌شود که شاخص توسعه‌ی انسانی میانگین غیر وزنی این سه شاخص است.

در مجموع اگر بخواهیم دسته‌بندی‌ای از شاخص‌های به‌کار گرفته شده در طی سالیان اخیر برای سنجش توسعه‌ی انسانی و اجتماعی ارائه دهیم می‌توانیم، چنین شاخص‌های پیشنهادی را در چهار دسته طبقه‌بندی کنیم: نخستین دسته به شرایط زندگی: بهداشت، تغذیه، مسکن، دسترسی به آب و تسهیلات بهداشتی و مشابه آنها اشاره دارد. دسته‌ی دوم به جنبه‌های اطلاعاتی و فرهنگی: سوادآموزی، آموزش و پرورش، کتابخانه‌ها، روزنامه‌ها، موسیقی، تئاتر و هنرهای زیبا می‌پردازد.

سومین دسته مربوط به مسائل اجتماعی: حقوق بشر، وضعیت زنان، مشارکت، برابری، امنیت فردی، کودکان کار، استعمال مواد مخدر، فساد و وضعیت محیط زیست است. دسته‌ی چهارم نیز شاخص‌های مربوط به ذهن و جان آدمی: خوشبختی، احساس امنیت، رضایتمندی، آرامش، امید به زندگی و مشابه آن‌ها است.

مرکز سیستم‌های پایدار دانشگاه میشیگان نیز ضمن ارائه گزارشی از وضعیت شاخص‌های توسعه اجتماعی در جهان شاخص‌هایی زیر را به عنوان شاخص‌های توسعه اجتماعی معرفی کرده است:

۱- شاخص‌های جمعیتی، با شاخص‌هایی همچون مقدار جمعیت و رشد آن، مسائلی که جمعیت‌های انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد از قبیل ایدز، مرگ و میر کودکان، مرگ مادران، باروری نوجوانان، و امید به زندگی در بدو تولد.

۲- استانداردهای زندگی، با شاخص‌هایی از قبیل تعداد افرادی که زیر خط فقر جهانی زندگی می‌کنند، توزیع عادلانه‌ی درآمد، و تعداد افراد بی‌خانمان.

۳- غذا، مقدار درآمد متوسط مصرف شده برای غذا، نوشیدنی و دخانیات. این میزان برای

کشورهایی با درآمد بالا ۱۷ درصد و برای کشورهایی با درآمد پایین ۵۳ درصد است. به‌طور متوسط

آمریکایی‌ها کمتر از ۱۰ درصد و نیجریه‌ای‌ها ۷۳ درصد از درآمد خود را صرف غذا می‌کنند

۴- آب و فاضلاب، تعداد افرادی که به آب آشامیدنی و سیستم فاضلاب مناسب دسترسی دارند به تفکیک شهر و روستا.

۵- بیماری‌ها و مراقبت سلامت، درصد افرادی که به بیماری‌های عمده‌های چون ایدز مبتلا هستند و یا در اثر آن فوت کرده‌اند و میزان شیوع این بیماری‌ها

۶- آموزش و اشتغال، میزان سواد در یک کشور، تعداد کودکانی که در مدارس ثبت‌نام کرده‌اند و حداقل دستمزدی که به مشاغل تعلق می‌گیرد

۷- محیط زیست، میزان آلودگی محیط زیست و تولید گازهای گلخانه‌ای

#### ۴- وضعیت توسعه اجتماعی در ایران

یکی از مهمترین نهادهای تخصصی‌ای که در ارتباط با بررسی وضعیت توسعه اجتماعی در ایران میتوان به آن رجوع کرد و ابعاد مختلفی از مفهوم توسعه اجتماعی را مورد سنجش قرار داده است، مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات اجتماعی (ISS) است، که هر پنج سال گزارشی با عنوان شاخص‌های توسعه اجتماعی (ISD) ارائه میکند. در این گزارش‌ها، با بهره‌گیری از داده‌ها و منابع اطلاعاتی متنوع، سازه‌ی توسعه اجتماعی توسط ۲۰۰ شاخص جزئی مورد سنجش قرار گرفته است که در نهایت در قالب ۶ شاخص کلی زیر خلاصه و ارائه می‌شوند:

۱: **فعالیت مدنی**: اشاره به هنجارهای اجتماعی، سازمانها و شیوه‌های عملی دارد که مشارکت بیشتر شهروندان را در سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های عمومی تسهیل می‌کند و دربرگیرنده‌ی دسترسی به انجمن‌های مدنی، مشارکت در رسانه‌ها، و ابزارهای مشارکت در فعالیتهای مدنی هم چون تظاهرات مسالمت‌آمیز و یا دادخواست است.

۲: **باشگاهها و انجمن‌ها**: این شاخص اندازه‌گیری می‌کند که تا چه حد زندگی انجمنی در داخل شهرها، محله‌ها و روستاها وجود دارد. چنین پیوندهایی امنیت و رفاه افراد را از طریق یک سیستم روابط اجتماعی تضمین می‌کنند.

۳: **انسجام درون گروهی**: این شاخص تنش‌های قومی و فرقه‌ای و تبعیض را اندازه‌گیری و مشخص می‌کند که تا چه اندازه انسجام اجتماعی میان گروههای تعریف شده‌ی مذهبی، قومی و زبانی وجود دارد؛ بدون آنکه به ناآرامی‌های مدنی و یا خشونت درون گروهی استتال پیدا کند.

۴: **اعتماد و امنیت میان شخصی**: این شاخص مشخص می‌کند که تا چه حد انسجام اجتماعی در میان غریبه‌ها وجود دارد. چنین انسجامی از طریق پیوندهای اعتماد، کنش متقابل، و فقدان نیت مجرمانه متجلی میشود. در جامعه‌ای با امنیت و اعتماد میان فردی بالا، جرم‌های خشونت‌آمیز نادر است و مردم لازم نیست از نقص حقوق شخصی و مالکیت خود در هراس باشند.

۵: **برابری جنسیتی**: این شاخص اندازه‌گیری می‌کند که زنان تا چه اندازه از فرصت‌های برابر با مردان در زمینه‌های تحصیلات و اشتغال، چه در خانه و چه در زندگی سیاسی برخوردارند.

۶: **ادغام اقلیت‌ها**: این شاخص سطح تبعیض علیه گروه‌های آسیب‌پذیر هم چون مردمان بومی، مهاجران، پناهندگان و گروههای طبقات پایین جامعه را در بر می‌گیرد. به زعم مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات اجتماعی، توسعه اجتماعی سازه‌ای است که اشاره به نهادهایی از جامعه دارد که از طریق آنها توسعه ایجاد می‌شود. منظور از نهادها، هنجارهای اجتماعی رسمی

و غیر رسمی است که ساخت رفتارها را بر عهده دارند. به این ترتیب، توسعه در این معنا، در ابعاد نرم آن در نظر گرفته شده است که غالباً غیر قابل مشاهده است و از این رو برای اندازه گیری دشوار است. چنین ابعادی از توسعه که در برگیرنده‌ی مفاهیمی چون سرمایه‌ی اجتماعی، تبعیض و طرد اجتماعی است، از طرفی در مقابل ابعاد سخت توسعه مانند شاخصهای اقتصادی و زیستی قرار می‌گیرد، و از طرف دیگر مکمل آنها در ارزیابی کلی از وضعیت توسعه محسوب می‌شود.

وضعیت نمره‌ای و رتبه‌ای شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی در ایران در طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰، در جدول شماره‌ی یک نشان داده شده است. شایان ذکر است که در سال ۲۰۱۰ امکان گردآوری داده‌ها برای ۱۹۲ کشور امکان‌پذیر بوده که در این میان تمامی داده‌ها برای این ۱۹۲ کشور نیز در دسترس نبوده و تعداد کشورهایی که اکثر داده‌ها در مورد آنها گردآوری شده است ۱۲۹ کشور است .

جدول شماره‌ی یک- وضعیت شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی در ایران طی سال‌های

۱۹۹۰-۲۰۱۰ (منبع: سایت مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات اجتماعی)

رتبه کلی	ادغام اقلیت‌ها	برابری جنسیتی	اعتماد وامنیت میان شخصی	انسجام درون گروهی	باشگاه‌هاو انجمن‌ها	فعالیت مدنی	سال	
							نمره	رتبه
-	-	۰/۵۲۰	-	۰/۵۷۸	-	۰/۴۶۶	نمره	۱۹۹۰
-	-	۱۶۵	-	۶۰	-	۹۷	رتبه	
-	-	۰/۵۲۱	-	۰/۶۱۹	-	۰/۴۵۹	نمره	۱۹۹۵
-	-	۱۵۶	-	۴۵	-	۱۰۲	رتبه	
-	-	۰/۵۰۹	-	۰/۴۸۵	۰/۳۹۵	۰/۴۹۴	نمره	۲۰۰۰
-	۵۵	۱۸۱	-	۷۲	۸۹	۸۱	رتبه	
۸۵	۰/۴۲۵	۰/۶۶۷	۰/۵۷۱	۰/۵۳۱	۰/۳۴۸	۰/۴۹۷	نمره	۲۰۰۵
	۱۰۷	۱۶۲	۱۷	۱۲۵	۹۸	۸۷	رتبه	
۹۹	۰/۴۱۸	۰/۵۶۹	۰/۵۶۵	۰/۶۱۷	۰/۳۱۹	۰/۵۰۴	نمره	۲۰۱۰
	۹۹	۱۶۵	۳۱	۱۲۳	۱۰۷	۸۷	رتبه	

رتبه کلی ایران در سال ۲۰۰۵ برابر با ۸۵ و در سال ۲۰۱۰ برابر با ۹۹ از میان ۱۲۹ کشور بوده است. (فاضلی،

۱۳۹۲)



مؤسسه‌ی معتبر لگاتیوم هر ساله با استفاده از داده‌هایی که خود گردآوری می‌کند و ترکیب آن با داده‌های نظرسنجی جهانی گالوپ و پیمایش ارزشهای جهانی رتبه‌بندی‌ای را از کشورهای جهان تحت عنوان شاخص کامیابی ارائه می‌کند. در این سنجش ۸۹ متغیر که زیر مجموعه ۸، کارآفرینی و فرصت، شاخص اصلی اقتصاد، ایمنی و امنیت، سلامت، آموزش، حکمرانی، آزادی فردی و سرمایه اجتماعی است مورد سنجش قرار گرفته است. اگرچه این مؤسسه این شاخص را، شاخص موفقیت یا کامیابی نامیده است؛ با در نظر داشتن تعریف توسعه‌ی اجتماعی و ابعاد مختلف این مفهوم که در بخشهای پیشین به آنها اشاره شد به نظر میرسد که در مقایسه با سایر شاخص‌های ارائه شده از قابلیت بیشتری برای سنجش ابعاد مختلف مفهوم توسعه‌ی اجتماعی برخوردار است.

بر اساس رتبه‌بندی ارائه شده از سوی مؤسسه‌ی لگاتیوم در سال ۲۰۱۳ ایران از نظر رتبه‌بندی کلی در میان ۱۴۲ کشور مورد بررسی در جایگاه صدویکم جهان قرار گرفته است که در مقایسه با سال ۲۰۱۲ یک رتبه صعود را نشان میدهد. در این رتبه‌بندی کشور نروژ همانند سال ۲۰۱۲ در جایگاه نخست قرار دارد. ایران علاوه بر جایگاه نه چندان مناسب در رتبه‌بندی کلی از توسعه‌ای نامتوازن نیز رنج میبرد که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران باید توجه بیشتری را بدان مبذول دارند؛ چرا اگر کلیت کشور را یک سیستم بدانیم، باید گفت سیستمی از تعادل نسبی و لازم برخوردار است که اجزای آن از روابط منطقی‌ای با یکدیگر برخوردار باشند.



## ۵- توسعه و محیط زیست

ابتدایی ترین نیازی که بشر با آن در طول تاریخ خود مواجه بوده است نیاز به بقا در محیطی پیچیده است. از آنجا که انسان برای بقا در محیط پیچیده‌ی پیرامون خود از نظر زیستی تجهیز نشده است، برای بقا نیازمند سازماندهی نهادها و زندگی اجتماعی است (ترنر، ۲۰۰۶) اما خود جامعه و نهادهای مختلف موجود در آن نیز همانند انسان با محیطی پیچیده روبه‌رو هستند که نحوه‌ی مواجهه با این محیط و پاسخ‌هایی که یک جامعه در کلیت آن به این پیچیدگی‌ها می‌دهد، طول بقای آن جامعه را در میان جوامع انسانی مختلف رقم می‌زند. در این میان و قبل از بررسی رابطه توسعه و زیست محیط آشنایی با مفهوم توسعه پایدار لازم به نظر می‌رسد.

توسعه‌ی پایدار و توسعه‌ی پایدار شهری طی دهه‌های اخیر به تدریج به الگو واره‌ی نوین و مسلطی در ادبیات نظری و علمی رایج در باب توسعه و برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است. این الگوواره اگر چه ناظر به برداشت‌ها و تفسیرهای گوناگون است؛ اما در مجموع بر پایداری و استمرار توسعه برای همگان و نسل‌های آینده طی زمان و بر همه جانبه نگری ابعاد پیچیده‌ی اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فرآیند توسعه در سطح یک کشور یا شهر تأکید دارد. توسعه‌ی سریع شهری، در چند دهه‌ی معاصر از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است. مطرح شدن توسعه‌ی پایدار، به عنوان شعار اصلی هزاره‌ی سوم نیز ناشی از آثار شهرها برگستره‌ی زیست کره و ابعاد مختلف زندگی انسانی است. در واقع ویژگیهای جوامع شهری امروز سبب ناپایداری انسانها و محیط زیست (محیط طبیعی و محیط مصنوع) شده است. برای نیل به این مقصود، ارزیابی پایداری زیست محیطی در وضع موجود، به عنوان مهمترین ابزار در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه پایدار قابل طرح و بررسی است. این ارزیابی، نوعی ارزیابی بوم‌شناختی است که در سطوح مختلف به طور متوالی انجام میشود و به دنبال ارائه چارچوبی است که در آن ارزیابی اثرات برنامه‌ها، راهبردها و سیاستها بر محیط زیست به صورت جامع

مورد ارزیابی، سنجش و تحلیل قرار گرفته و در نهایت راهکارهایی را برای کاهش فشار بر محیط زیست ارائه دهد. لذا فراهم سازی بستری مناسب جهت ارزیابی و سنجش پایداری زیست محیطی در فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه به ویژه توسعه شهری الزم و ضروری می‌باشد. در واقع بدون وجود چنین بستری، بحث توسعه پایدار به ویژه در شهرها، بحثی بی‌مورد و بیهوده خواهد بود.

مفهوم امروزی توسعه پایدار، ریشه در تفکرات جنبشهای زیست - محیطی قرن اخیر دارد. این مفهوم، برای اولین بار در اواسط دهه ۱۹۷۰ به خانم باربارا اوارد نسبت داده شده است. با گذشت زمان و ادامه‌ی این روند نگرانی‌هایی به وجود آمد. به دنبال این نگرانیها سازمان ملل متحد با ۲۲ عضو شامل اعضای کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت جهت تعیین استراتژی محیطی طولانی مدت برای جهان در سال ۱۹۸۷ نشست تشکیل داد. این نشست به مسائل و مشکلات زیست محیطی و توسعه پایدار در سراسر جهان پرداخت که گزارش نهایی این کمیسیون به نام آینده‌ی مشترک ما منتشر گردید. بعد از این کمیسیون، توسعه پایدار از اصلی‌ترین مباحث در تمام دنیا در رابطه با زندگی مردم به ویژه شهرنشینان مورد توجه قرار گرفت. مفهوم توسعه پایدار ناظر بر این واقعیت انکارناپذیر است که ملاحظات مربوط به اکولوژی می‌تواند و باید در فعالیتهای اقتصادی به کار گرفته شود. این ملاحظات شامل ایده‌های ایجاد محیطی منطقی است که در آن ادعای توسعه به منظور پیشبرد کیفیت همه جنبه‌های زندگی مورد چالش قرار می‌گیرد.

کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه که برای اولین بار این اصطلاح را ارائه داد، توسعه پایدار را به عنوان توسعه ای تعریف کرد که نیازهای نسل فعلی را بدون ایجاد اشکال در توانایی نسل‌های آینده در برآوردن احتیاجات خود تأمین می‌کند. این تعریف دو مفهوم را در بردارد: ۱ - مفهوم نیاز، بویژه نیازهای اساسی فقرا اولویت درجه یک را دارد؛ ۲ - توسعه پایدار در برگیرنده ایده محدودیتهایی است که به وسیله وضعیت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تحمیل می‌شود. واژه نیاز از نظر بسیاری از اقتصاد دانان با مشکل همراه است. نیاز اغلب به انواع معینی از خواست‌ها یعنی تغذیه، آموزش و بهداشت اشاره دارد که در هر برنامه‌ای باید در اولویت قرار گیرد. بنابراین میتوان با جایگزینی مفهوم رفاه در تعریف مزبور آن را به صورت زیر ارائه داد: توسعه‌ای که رفاه نسل فعلی را بدون ایجاد اشکال در توانایی نسل‌های آینده برای دستیابی به رفاه خود تأمین می‌کند. این تعریف، توسعه پایدار را به صورت افزایش مستمر یا حداقل حفظ رفاه انسان در طی زمان تفسیر میکند و مفهوم امکان بقا را در خود دارد که یک حداقل سطح رفاه را مشخص میکند و در اندازه پایینتر از آن جامعه امکان ادامه حیات ندارد. توسعه پایدار همچنین بر اهمیت وجود چشم انداز بلند مدت در مورد نتایج فعالیتهای امروز و همکاری جهانی در بین

کشورها برای رسیدن به راه‌حل‌های مؤثر تأکید می‌گذارد. این عناصر، توسعه پایدار را به صورت هدف کلیدی برای صورت بندی سیاست‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در قرن ۲۱ درآورده است.

به استناد تعاریف ذکر شده، توسعه پایدار فرایندی است که اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی جامعه را در هر جا که ممکن است از طریق وضع سیاست‌ها، انجام اقدام‌های لازم و عملیات حمایتی با هم تلفیق می‌کند و در هر جایی که تلفیق امکان ندارد به ایجاد رابطه مبادله بین آنها، بررسی و هماهنگی این مبادله‌ها می‌پردازد در واقع توسعه پایدار بر پایه هشیاری انسان نسبت به خودش و نسبت به منابع طبیعی کره زمین استوار است و خواهان یک سبک زندگی پایدار برای همه انسانها است و مخالف مصرف بیش از اندازه، اتلاف منابع و بی‌توجهی به نسل‌های آینده و قطع رابطه با گذشته است. در حقیقت توسعه پایدار تنها بریک بعد تمرکز ندارد بلکه جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی و زیست محیطی تمرکز و توجه دارد. در واقع توسعه پایدار محل تلاقی توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی و توسعه زیست محیطی می‌باشد.



#### ۵-۱- رابطه توسعه و زیست محیط

در هزاره سوم، محیط زیست مفهوم دیگری پیدا کرده و دیگر نمی توان با الگوها و مدل های قدیمی آن را تبیین کرد. محیط زیست، امروز در برگیرنده ی تمام مسایلی است که در صنعت، فرهنگ، اقتصاد و سیاست مطرح است. در این صورت وقتی می گوئیم محیط زیست، مثل گذشته مختص آلودگی ها یا حیات وحش نیست، بلکه شامل تمام جلوه ها و جنبه هایی است که به نوعی زندگی ما انسان ها را تحت الشعاع قرار می دهد. این روند تا آن حد پیش رفته که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته برنامه ریزی محیط زیست در چارچوب برنامه ریزی کشوری مطرح می شود. مثلا در کشوری مثل کانادا یا استرالیا در برنامه های پنج ساله، برنامه ریزی برای محیط زیست را در تمامی جنبه ها اعم از روش کار، راهکارها، بودجه بندی، زمان بندی و ساختار تشکیلاتی لحاظ می کنند. (مخدوم، ۱۳۸۵)

از سوی دیگر، افزایش جمعیت، رشد اقتصاد، فعالیت های صنعتی و پیشرفت های حاصل از فن آوری ها و توسعه اجتماعی موجب شده تا بشر جهت رفع نیازهای بی انتهای خود اقدام به تخریب طبیعت و تغییر نوع پوشش طبیعی نماید. به همین دلیل الگوی نامناسب استفاده از سرزمین و تغییرات شدید آن منجر به پیدایش بحران های زیست محیطی شده است به همین منظور توجه به آمایش سرزمین جهت پیشگیری از بحران های محیط زیست و هم چنین استفاده صحیح و پایدار از تمامی امکانات پهنه ی سرزمین می تواند یکی از موضوعات جدیدی باشد که توجه دولت ها و بخصوص سازمان مدیریت و حفاظت از محیط زیست را جلب نماید.

گرچه محیط زیست دارای قدمتی بس طولانی است اما توجه به مفهوم و کاربرد علمی آن محدود به چند دهه اخیر می باشد، به طوری که این واژه از دهه ۱۹۶۰ میلادی با افزایش آلودگی ها و تخریب منابع طبیعی بوده، رایج و معمول گشت. حال این پرسش مطرح می شود که محیط زیست چیست و چه عواملی را در برمی گیرد؟

الکساندر کیس معتقد است: اصطلاح محیط زیست را می توان به منطقه ای محدود و یا تمام یک سیاره و حتی به فضای بیرونی که آن را احاطه کرده است اطلاق کرد. دبیرکل یونسکو محیط زیست را این گونه تعریف می کند: محیط زیست همه چیز یا تقریباً همه چیز را در بر می گیرد. به عبارت دیگر هم انسان، هم طبیعت و هم روابط بین این دو را شامل می شود و بر کلیه فعالیت های بشر تاثیر دارد و ضمناً از آنها متأثر می شود.

لازم به ذکر است که در قوانین و مقررات جاری کشور هیچ تعریفی از واژه محیط زیست به عمل نیامده، ولی حقوقدانان در متون حقوقی در برخی از موارد با استنباط از عباراتی که در قانون بکار رفته است، تعاریفی را مدنظر داشته اند. کما اینکه تلقی یکی از حقوقدانان محیط زیست با توجه به احکامی که در قوانین به چشم می خورد، چنین بیان کرده است: محیط زیست عبارت است از یک ساختار منسجم که در آن همه عوامل و شرایط محیطی در یک ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند.

اگرچه انسان ها فقط درصد بسیار کمی از بیوماس (وزن یا حجم موجودات زنده) کره زمین را تشکیل می دهند، ولی گونه غالب اند. در ابتدای دوره پلیستوسن انسان نیز همچون سایر موجودات تحت تاثیر کامل عوامل محیطی بوده است. از آن پس انسان پیشرفت کرده و به تدریج قادر شد محیط فیزیکی اطراف خود را به شدت تغییر دهد. در واقع رابطه انسان و محیط زیست با روند تکاملی انسان و تکنولوژی های مورد استفاده او کاملاً تغییر کرده، در حالی که انسان در روزگاران گذشته و بخصوص انسان اولیه تحت تاثیر محیط پیرامون خود بود، امروزه این انسان است که محیط را تحت تاثیر رفتارها و کردارهای خود قرار داده است. وجود رابطه متقابل و رشد یافته، بین طبیعت و جامعه سازمان یافته و مجهز به وسائل فنی که بدون وقفه منابع لازم و ضروری را از طبیعت می گیرد و مصرف می نماید و مواد زائد ناشی از فعالیت های حیاتی و تولیدی را به آن برمیگرداند واقعیتی غیرقابل انکار است. بررسی نظام "انسان جامعه و محیط زیست" از نظر مبادلات دائمی و همواره شدید مواد و انرژی میان عوامل نظام، که از تولید اجتماعی دائمی و فزاینده، ساختار همواره پیچیده تر و استفاده از مواد اولیه از سرزمین هایی که به حال دگرگونی مستمر هستند حاصل می شود، اهمیت زیادی دارد. (گراسیموف و دیگران، ۱۳۷۲) در این میان تاثیر انسان بر زیست محیط قابل تامل می باشد. به عبارتی تاثیری که انسان بر محیط زیست می گذارد ناشی از رفتار و عمل او در محیط پیرامون خویش است. اعمالی همچون بهره بردای از منابع طبیعی، قطع درختان، خانه سازی، احداث

کارخانجات و... در محیط های طبیعی باعث تغییر چهره محیط زیست شده و می تواند در صورت ادامه این روند به صورت بی رویه در تخریب محیط موثر باشد. واقعیت امر این است که انسان ها با توسعه علوم و تکنولوژی توانسته اند روز به روز دامنه دخالت ها و تاثیرات خود را بر محیط زیست بیافزایند تا آن را در جهت دستیابی به سود و رفاه مادی بیشتر مهار کنند. گرچه فناوری احتمالا بحران جمعیت را به تاخیر انداخته است. اما در نهایت تاثیر انسان را بر محیط زیست افزایش داده است.

فناوری نه تنها استفاده از منابع را افزایش داده بلکه موجب شده تا در مقایسه با انسان شکارچی و جمع آورنده غذا که از ابزارهای ساده سنگی و چوب استفاده می کرد، انسان امروزی با راههای جدیدی بر محیط زیست تاثیر بگذارد.

مشکلات زیست محیطی یکی از اساسی ترین مسائل شهر امروزی و حاصل تعارض و تقابل آنها با محیط طبیعی است؛ نتیجهی این روند عدم تعادل و ناسازگاری میان انسان و طبیعت و به هم خوردن روابط اکوسیستم خواهد بود. با گسترش شهرها، مظاهر و ارزش های محیط طبیعی در معرض نابودی و فرسایش بیشتر قرار گرفته است و شهرنشینان از جاذبه های طبیعی محروم شده اند. تمرکز جمعیت در شهرها و مناطق حاشیه ای شهرها و عدم تناسب بین رشد خدمات و زیر بناهای شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه مناطق شهری را به مکان های غیربهداشتی و آلوده تبدیل و با مشکلات دفع فاضلاب و زباله، تأمین آب بهداشتی و... روبه رو ساخته است.

موضوع پایداری و ثبات زیست محیطی طی سه دهه پایانی قرن بیستم به طور ویژه ای مورد توجه بسیاری از افراد بخصوص محققین و دولت ها بوده و از آنجایی که شهرها امروزه به عنوان مهمترین عوامل مؤثر بر پایداری زیست محیطی به شمار می روند تقاضا برای توسعه پایدار شهری و شهرهای پایدار مهمترین چالش فراروی بشریت در قرن بیستم و یکم است. به عبارت دیگر امروزه به طور فزاینده ای فرصتها و چالشهای اصلی جهان در شهرها متجلی گردیده و رشد شتابان شهرنشینی در چند دهه گذشته و گسترش فعالیتهای صنعتی، زیرساختهای شهری را کاهش و در مقابل ضایعات زیست محیطی را به شدت افزایش داده است. شهرهایی که به سرعت رشد کرده به دلیل تخریب محیط طبیعی در حال حاضر خود با بحرانهای زیست محیطی متعددی مواجه شده اند که کلان شهرهای ایران نمونه های بارز آن هستند. از آنجا که هرگونه فعالیتی برای ارتقای کیفیت زندگی و توسعه انسانی در محیط زیست تحقق می یابد، لذا وضعیت محیط زیست و منابع آن از نظر پایداری یا ناپایداری بر فرآیند توسعه تأثیرگذار خواهد بود. بر این اساس، هر بحثی درباره توسعه بدون توجه به مفهوم پایداری زیست محیطی، ناتمام تلقی میشود. با این اوصاف اگر توسعه اجتماعی هدف نهایی ما به شمار رود، پایداری زیست محیطی شرط الزام آور برای تحقق توسعه اجتماعی میباشد. اما شهرنشینی یا شهری شدن پایدار، آنچنان شهری شدنی است که از یک سو، امکان زندگی مطابق

باکرامت انسانی را در شهرهای موجود و آینده برای نسلهایی که از پی یکدیگر می‌آیند، فراهم می‌کند و از سوی دیگر، با ملاحظات زیست محیطی همساز و دوستدار محیط زیست است. بدینسان، شهری شدن و شهرنشینی پایدار، توسعه اجتماعی اقتصادی شهری را به شکلی به پیش می‌برد که به حفظ محیط زیست و منابع زمین منجر می‌شود و از نابودی محیط طبیعی ممانعت به عمل می‌آورد. به سخن دیگر، شهری شدن و شهرنشینی پایدار بر پایه و هماهنگی با ظرفیت اکوسیستم یا نظام طبیعی شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد. مفهوم پایداری در واقع تلاشی است برای دستیابی به بهترین نتایج در برنامه‌های محیط انسانی و طبیعی که برای حال و به صورت نامحدود برای آینده صورت می‌پذیرد. در پایداری زیست محیطی، تحول و تطوری موردنظر است که ثبات و پایداری جامعه را برهم نزند، بلکه به رشد و اعتلای پایدار آن کمک کند. در برنامه ریزی برای تحقق توسعه پایدار، ضمن به کارگیری منابع موجود در جامعه در فرآیند تحول و تطور آن جامعه، باید بقای منابع و جامعه مدنظر باشد.

پایداری ریشه خود را در میان پایداری اکولوژیکی داشته است. این نظریه بر روی این نکته که طبیعت، محدودیتها و فرصتهای معین به زندگی انسان ارائه می‌دهد، تأکید دارد. در نتیجه پایداری توسعه‌ای را می‌پذیرد که ضمن بهترین استفاده از منابع، هیچ گونه صدمه‌ای به آن نزند. نخستین گام در جهت دستیابی به پایداری زیست محیطی، تهیه و تدوین راهبرد کلان برای توسعه با استفاده از عواملی نظیر راهبرد ملی حفاظت زیست محیطی، احیاء و بهبود محیط زیست، راهبرد ملی توسعه پایدار اجتماعی و فرهنگی است. شهرها به جهت آنکه مهمترین مصرف کننده منابع طبیعی هستند و به جهت تولید بیشترین حجم فوالت و آلودگیها و به همراه ویژگیهای دیگر، یکی از اصلی ترین مکانهایی هستند که باید به انحاء مختلف اصول توسعه را مورد توجه قرار دهند. بنا به آنچه گفت شد توسعه اجتماعی با زیست محیط دورابطه مثبت و منفی می تواند داشته باشد.





## الف - رابطه مثبت

برخلاف رابطه منفی توسعه و محیط زیست که موجب تخریب و نابودی محیط زیست گردیده است، رابطه مثبت آن دو، بیانگر این امر است که توسعه نه تنها امر مضر برای محیط زیست نمی باشد، بلکه توسعه پایدار موجب استفاده بهینه از تمام امکانات و توانمندی های محیط زیست می گردد و در نتیجه ارتقای سطح زندگی بشر را به طور واقعی و پایدار به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر محیط زیست و حفاظت و نگهداری از آن نیز هرگز مانعی در راه توسعه محسوب نخواهد گردید بلکه محیط زیست بستر و زمینه لازم برای توسعه تلقی می گردد. لذا آن کسی که خواهان حمایت از محیط زیست است، بایستی به هم پیوستگی و ارتباط ارگانیک محیط زیست و توسعه را هیچ وقت از نظر دور ندارد .

با حفاظت از محیط زیست، توسعه نتایج بهتر و مفیدتری از کارکرد محیط های طبیعی و مصنوعی ارائه می دهد، از آن جمله، تاثیر مستقیم و غیرمستقیم بر کیفیت زندگی کاری، تاثیر بر سطح درآمد واقعی، تاثیر مستقیم بر فعالیت های اقتصادی به عنوان نهادهای زیست محیطی، تاثیر در حفظ ثبات نظام های تامین حیات، بنابراین می توان در ارتباط و تاثیر محیط زیست بر توسعه بطور خلاصه سه عملکرد زیر را بیان نمود: فراهم آوردن مطلوبیت مستقیم برای افراد جامعه، تامین نهادهای لازم برای فرایندهای اقتصادی و پدید آوردن خدمات تامین کننده حیات. در تمام اسناد مربوط به محیط زیست رابطه منفی بین حفاظت و نگهداری از محیط زیست و توسعه رد گردیده و بر رابطه مثبت بین آن دو تاکید شده است. از مطالعه اسناد محیط زیستی در این خصوص می توان اصول زیر را استنباط نمود.

-محور انسان بودن

- حق داشتن محیط زیست سالم

-حق بهره برداری از محیط زیست و توسعه

-توام بودن توسعه پایدار با حفاظت از زیست محیط

-ضرورت رفع تعارض بین توسعه و ضرورت های حفاظت از زیست محیط

- در نظر گرفتن منافع نسل حال و آینده به طور توامان

## ب- رابطه منفی

تاکنون توسعه نه تنها توام با حفظ و نگهداری محیط زیست نبوده است، بلکه باعث تخریب و نابودی آن نیز گردیده است. در کشورهای صنعتی یا توسعه یافته، توسعه گسترده و لجام گسیخته باعث تخریب محیط زیست گردیده است و در کشورهای در حال توسعه افزایش جمعیت باعث گردیده است که بیش از ظرفیت زمین از منابع آن بهره برداری شده و آثار زیانباری برای محیط زیست ایجاد گردد. در این کشورها برنامه های توسعه توام با آثار بسیار مخرب نسبت به محیط زیست بوده است به عنوان نمونه می توان از استقراض این کشورها از کشورهای صنعتی به بهانه توسعه اقتصادی نام برد. (رئیس

۱۳۸۷)

فاجعه بدهی های این کشورها تحت لوای توسعه، آنها را به تخریب هر چه بیشتر محیط زیست واداشته است. بدون آنکه نشان ارزنده ای از بهبود شرایط آنها حاصل شده باشد. به عنوان نمونه در کشور سنگاپور به دلیل بدهی های فراوان، زمین های کشاورزی آن چنان مورد تهاجم و بهره برداری قرار گرفته اند که راه برای ایجاد کویر باز شده است. در کاستاریکا برای اینکه صادرات گوشت را به آمریکا افزایش دهند، میلیون ها هکتار جنگل طبیعی را به چراگاه های دام تبدیل کرده اند که نتیجه آن تخریب جنگل ها و فرسایش خاک بوده است. این رابطه منفی بین توسعه و محیط زیست باعث گردید تا عده ای بر آن باشند که اساساً توسعه و حفظ محیط زیست قابل جمع نمی باشند و توسعه خواه و ناخواه باعث تخریب و نابودی محیط زیست می گردد. لذا بشر باید یکی از این دو را انتخاب نماید. لیکن این دیدگاه صراحتاً در کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست در ۱۹۷۲ رد گردیده است. بند ۳ از اعلامیه استکهلم در این خصوص بیان می دارد، "انسان باید دائماً تجربه اندوزی کرده به اکتشاف، اختراع، ابداع و پیشرفت ادامه دهد. در عصر ما قدرت انسان برای دگرگون سازی محیطی که در آن زندگی می کند اگر عاقلانه به کار رود می تواند برای همه مردم مزایای توسعه و امکان بهبود کیفیت زندگی را به ارمغان بیاورد و اگر بهره برداری از آن با سواستفاده یا بی توجهی همراه باشد، همان قدر می تواند صدمات بی شماری به افراد بشر و محیط زیست

وارد سازد. در برابر چشمان ما در بسیاری از مناطق زمین، نشانه های خسارات، تخریب و انهدام محیط زیست به وسیله انسان افزایش می یابد".

از جمله تاثیرات منفی توسعه بر ۳ رکن اصلی در کره زمین، آلودگی آب و آلودگی خاک و آلودگی هوا می توان اشاره کرد:  
**آلودگی آب:** منظور از آلودگی آب تباهی و فروافت کیفیت آب است. در تعریف آلودگی آب عموماً توجه ما به موارد مورد استفاده ی موردنظر، اینکه آب تا چه اندازه از وضعیت عادی خود خارج شده، تاثیرش بر سلامت عمومی و نیز آثار بوم شناختی آن، متمرکز است.

به عنوان یک اصل اساسی می توان گفت که کیفیت آب تعیین کننده موارد استفاده ی بالقوه آن است موارد استفاده عمده کنونی آب عبارتند از کشاورزی و فرایندهای صنعتی و عرضه خانگی. که آلودگی آب می تواند بر سلامتی و رفاه عموم مردم تاثیر بسزایی داشته باشد.

**آلودگی هوا:** طبیعت همه چیز خود را بانظم خاصی بوجود آورده است، اما انسان با دخالت خود این ثبات و خودتنظیمی را به هم می زند طبیعت خود به خود تا حدی می تواند آلودگی هوا را تصفیه کند، ولی اگر آلودگی به حدی رسید که قادر به هضم و یا بازبایی آن نشد آلودگی پیش خواهد آمد.

آلودگی هوا به این صورت تعریف می شود که هر جسم خارجی که وارد هوا شود و هر عاملی که نسبت معمولی مواد تشکیل دهنده هوا را تغییر دهد به طوری که مقدار آنها در طی زمان باعث خسارت به حیات انسان و حیوان و گیاه گردد. مواد آلوده کننده هوا نیز عبارتند از هر نوع ماده گازی، مایع و جامد و یا امیخته ای از آنها که در هوای آزاد پخش می گردد و باعث آلودگی هوا می گردد.

**آلودگی خاک:** وجود مواد شیمیایی ساخت انسان در خاک و یا دگرگونی های دیگری که در محیط طبیعی خاک ایجاد می شود را آلودگی خاک گویند. این گونه از آلودگی معمولاً از نشت تانکرها ی زیر زمینی، استفاده از آفت کش ها ..... می شود.  
مهمترین اهمیت آلودگی خاک این است که انسان ها در محیط هلی متعددی با خاک ارتباط مستقیم دارند ارتباط با آلودگی خاک پیامدهای متعددی برای سلامت انسان خواهد داشت که بسته به نوع آلودگی، نحوه ارتباط و مدت زمان ارتباط متفاوت است. کروم و آفت کش ها سرطان زاست و سرب برای کودکان بسیار خطر ناک بوده و باعث آسیب رسیدن به مغز آنها می

شود. جیوه باعث آسیب رساندن به کلیه و بسیاری از حلال های حاوی کلر باعث تغییر در کبد و کلیه و تنزل سیستم عصبی مرکزی می شوند.

## ۶- ارتباط توسعه با محیط زیست در ایران

تضادی بین توسعه پایدار و حفاظت محیط زیست وجود ندارد، در صورتی که برنامه ریزی های توسعه را در دراز مدت مدون کنیم و با توجه به ظرفیت اکوسیستم و محیط زیست به دنبال توسعه باشیم و مکان یابی ها با مطالعات صحیح و در نظر گرفتن ملاحظات زیست محیطی انجام شود، آنگاه می توانیم همگام با حفاظت محیط زیست، توسعه را نیز پیش ببریم و این روندی است که در کشورهایی مثل استرالیا و نیوزلند به آن دست یافته اند و در عین دستیابی به توسعه، محیط زیست خود را نیز حفظ کرده اند. البته لازمه این امر شناخت دقیق محیط زیست و درک ظرفیت محیط زیست است. ولی در کشور ما این موارد تا حدودی نادیده گرفته می شود. مثلا طرح آزاد راه تهران- شمال یک فاجعه زیست محیطی است و بدون توجه به دیدگاه حفظ محیط زیست، دنبال کشیدن جاده و احتمالا فروش اراضی اطراف جاده هستند. در صورتی که اگر منافع دراز مدت را در نظر بگیریم و با دید علمی به قضیه نگاه کنیم کشیدن چنین جاده ای فقط تخریب اکوسیستم را به دنبال دارد. مثال های فراوانی وجود دارد که نشان می دهد این گونه توسعه یافتن، در دراز مدت شکست می خورد و احتمالا همین جاده به دلیل این که دیدگاه اکوسیستم در آن رعایت نشده است با مشکلاتی نظیر روان آب و سیلاب هم روبرو می شود. در صورتی که اگر از محیط زیست شناخت کافی وجود داشته باشد، توسعه متناسب با آن را نیز دقیق تر می توان طراحی کرد. یک نکته دیگر در حفظ محیط زیست، نقش عموم مردم است که به آن اهمیت داده نمی شود. یعنی عامه مردم نسبت به حفظ محیط زیست شان آگاهی کافی ندارند و تا مردم نسبت به حفظ محیط زیست حساس نباشند، محیط زیست حفظ نخواهد شد. (آذری،

۱۳۸۵)

بنابراین از دید حفظ محیط زیست، هر پروژه ای باید ارزیابی اثرات شود که این ارزیابی باید توسط متخصص صورت بگیرد چرا که این متخصص است که دارای آگاهی است و می تواند سرمایه طبیعی را به گونه ای قیمت گذاری کند که در دراز مدت به نفع باشد و از سوی دیگر باید به حرف برنامه ریز عمل کنند چون تضعیف محیط زیست برای رسیدن به توسعه تا حدی اجتناب ناپذیر است. سرمایه طبیعی را با هیچ توجیهی و زیر هیچ عنوان و نامی نمی توان از بین برد. نمی شود توجیه کرد که یک هکتار از جنگل را می بریم و بقیه آن را حفظ می کنیم زیرا تخریب آن یک هکتار جنگل بر روی بقیه آن اثر نامطلوبی می گذارد. این یعنی ما فراموش کرده ایم که اکوسیستم به هم پیوسته است.

یکی دیگر از مشکلات محیط زیست، آلودگی هوای تهران است که از دلایل اصلی آن هم افزایش تعداد خودروهاست. ولی از سوی دیگر کاهش فضای سبز، تخریب درختان و انسداد دره ها باعث افزایش این مشکل شده است. تکنولوژی فقط ماشین و اتوبان نیست. بلکه اصل قضیه، برنامه ریزی و فکر کردن است که ما این موضوع را نادیده می گیریم و فکر میکنیم اگر اتوبان بسازیم تکنیک مان بالا است. این در حالی است که هند با جاده های خاکی غذای بیش از یک میلیارد نفر را تامین می کند. موضوع دیگری که باید به آن در کنار توسعه اجتماعی توجه شود، اصل اساسی اقتصاد محیط زیست است. یعنی هر توسعه ای در هر منطقه ای از یک اصل ساده اکولوژیکی پیروی می کند و آن این است که شما وقتی می خواهید فعالیتی انجام بدهید، مجبور هستید که از یک منبع استفاده کنید و باید مشخص کنید که چه چیزی در نهایت از این منبع باقی می ماند. به عنوان مثال در شهر تهران سالانه ۹۳۰ میلیون متر مکعب آب مصرف می شود و بر اساس قانون اول ترمودینامیک که اساس برنامه ریزی محیط زیست است، ۹۵ درصد مصرف آب، به پساب تبدیل می شود. پس در نتیجه بین ۶۰۰ تا ۷۵۰ میلیون متر مکعب فاضلاب تولید می شود. باید بررسی شود.

که آیا محیط می تواند این مقدار پساب را در خود جای دهد یا این که به دلیل عدم ظرفیت جذب این پساب، پساب در کوچه و خیابان جاری می شود. پس در برنامه ریزی باید در نظر بگیریم که استفاده از منبع، پسماند تولید می کند و اساس اقتصاد محیط زیست بر این مبنا است که آیا با این میزان مصرف و تولید پسماند، انجام دادن فعالیت مقرون به صرفه است یا خیر؟ پس اصل اقتصاد محیط زیست بر این روال است که مصرف منبع و دفع پسماند مقرون به صرفه باشد و باید این دو معادله با هم بخواند اگر این معادله برقرار باشد، توسعه موفق خواهد بود، یعنی هزینه های دفع پسماند و آلودگی باید در برنامه ریزی دیده شود. ما حق نداریم آلودگی و پسماند را در محیط رها کنیم، زیرا تخریب و آلودگی محیط زیست در نهایت موجب از بین رفتن منابع می شود و احیا مجدد منابع اگر ممکن هم باشد، هزینه بر است.

## نتیجه گیری و پیش نهاد ها

ایران از نظر وضعیت توسعه‌ی اجتماعی، بر اساس شاخص کامیابی مؤسسه‌ی لگاتیوم، در میان ۱۴۲ کشور مورد بررسی در جایگاه صد و یکم جهان و در میان ۱۶ کشور حاضر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در جایگاه یازدهم قرار گرفته است. با توجه به تعریف ارائه شده از توسعه‌ی اجتماعی، این جایگاه به معنای آسیب‌پذیری بیشتر ایران در برابر پیچیدگی‌های محیطی است. سقوط ۲۰ پله‌ای رتبه‌ی ایران از نظر خرده شاخص‌های اقتصادی در سال ۲۰۱۳ در مقایسه با سال پیش حفظ همین وضعیت نه چندان مناسب را در سالهای آتی دشوار کرده است.

امروزه مسئله توسعه پایدار و همه جانبه، هم در جهان توسعه یافته و هم در دنیای در حال توسعه مورد نظر و توجه است. توسعه به مفهوم واقعی کلمه با بار معنایی پیشرفت یا تعالی باید همه جانبه، فراگیر و پایدار باشد تا تحرک همگون و همسوی نیروهای نهفته در درون جامعه را باعث گردد. هنگامی که سخن از همه جانبه بودن توسعه پیش می‌آید، جامعه یک نظام در نظر گرفته می‌شود که کلیه اجزا آن نیازمند تغییر در جهت افزایش کمی و کیفی می‌باشند. زمانی این تغییر می‌تواند مفید باشد که در مسیر پایایی باشد. به عبارت دیگر توسعه‌ی همه جانبه بدون توسعه‌ی پایدار، معنای انسانی خود را از دست می‌دهد. در توسعه پایدار حفظ منابع و محیط زیست و سهم آیندگان از آن مطرح است. توسعه نباید به قیمت از بین رفتن امکانات نسل‌های آینده باشد. در توسعه همه جانبه و پایدار باید کل امکانات جامعه به صورت یک مجموعه، ضمن در دسترس بودن همگان، برای نسل‌های آینده حفظ شود. منابع و امکانات باید از بین رونده و کاهش یابنده نبوده و بلکه تجدید شونده و فزاینده باشند

نباید فراموش کرد که توسعه بدون محیط زیست و حفاظت از آن نه معنا دارد و نه امکان پذیر است. توسعه پایدار واز جمله توسعه اجتماعی، محیط زیست پایدار لازم دارد. از سوی دیگر محیط زیست مناسب خود بستر صلح و امنیت است. هم چنان که اگر صلح و امنیت نباشد محیط زیست جدا در معرض خطر قرار می‌گیرد. همیشه یکی از مخرب‌ترین آثار جنگ و آسیب‌های وارده به محیط زیست بوده است. لذا یکی از مهمترین ابعاد امنیت در جهان، امنیت زیست محیط و منابع و سیستم‌های حافظ حیات زمین است که طول عمر و رفاه کل بشریت به آنها وابسته است.

فرهنگ و اجتماع، محیط زیست و اقتصاد، سه رکن اساسی توسعه پایدار است که نشان از همبستگی فرهنگ محیط زیستی و توسعه پایدار دارد و فرهنگ زیست‌محیطی، نوعی رفتار و روش زندگی است که نه تنها طبیعت و منابع آن را راهی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌داند بلکه آن را لازمه رسیدن به آن دو و همچنین ضرورتی برای حفظ بقای خود انسان به حساب

می‌آورد. بدین ترتیب، محیط زیست و اقتصاد باهم برابرند و بدون داشتن آن جامعه‌ای وجود نخواهد داشت که به تعالی برسد و در نتیجه با آموزش و ایجاد باورهای زیست‌محیطی در میان فرهنگ جوامع و در نهایت آموزش اخلاق زیست‌محیطی به داشتن فرهنگی مناسب در جهت حفظ محیط زیست منجر می‌شود که به دنبال آن، منافع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی، همگی حفظ شده و بقای نسل انسان و منابع برای نسل آتی و نسل آینده تضمین می‌شود.

آموزش همگانی و همچنین تربیت افراد متخصص در این زمینه و گسیل کردن این افراد برای آموزش به جوامع محلی به ویژه روستاییان که در پایداری محیط‌زیست می‌توانند نقش عمده‌ای ایفا نمایند، روستاییان با توجه به نقشی که در عرصه‌های گوناگون دارند، قادر به تأثیرگذاری بسیار بر محیط‌زیست هستند. که با انتخاب مطلوبترین روشهای آموزشی با دسترسی به دانش روز میتوان روستاییان را در جهت حفاظت و حمایت از محیط‌زیست سوق داد. یعنی اطلاع رسانی و افزایش آگاهی مردم.

به طور خلاصه در این میان توجه به موارد زیر برای توسعه فناوری زیستی و حفاظت از محیط زیست در کنار توسعه اجتماعی حائز اهمیت است:

- تقویت آگاهی عمومی نسبت به مزایای کاربرد بیوتکنولوژی در محیط زیست و عواقب و اثرات عوامل مخرب زیست محیطی و تقویت مشارکت عمومی در زمینه‌های زیست محیطی
- کمک به بهبود سطح علمی متخصصان کشور در زمینه بیوتکنولوژی و محیط زیست و قوی تر نمودن بنیه تخصصی سازمان محیط زیست و شورای عالی زیست فناوری
- ارزیابی راهبردی زیست محیطی، سیاستها، برنامه‌ها و طرح‌های ملی اثرگذار بر محیط زیست در بخش های صنعت ، معدن، کشاورزی، آب ، حمل و نقل ، انرژی عمران شهری و روستایی- ارزیابی زیست محیطی پروژه‌های تولیدی، زیربنایی و خدماتی
- اصلاح الگوهای تولید و مصرف بر مبنای اصول توسعه پایدار
- بهبود شاخص‌های زیست محیطی در بخش‌های مختلف
- حمایت از بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در زمینه فناوری زیستی

- فعال نمودن ظرفیت‌های تحقیقاتی و علمی در زمینه بیوتکنولوژی کشاورزی و جهت‌گیری تحقیقات کشاورزی در راستای توسعه بیوتکنولوژی در زمینه‌های مختلف بخش کشاورزی

- ارائه برنامه‌های آموزشی گوناگون از طریق رسانه‌ها، شرکت آب و فاضلاب، شهرداری‌ها و فرهنگ‌سراها جهت شناخت افراد و شهروندان از آثار زیانبار آلودگی‌های زیست‌محیطی و ترغیب مردم جهت مشارکت و همیاری گسترده در حفاظت از محیط زیست.